



هورقلیا چیست؟

هورقلیا کلمه ای عبری است که در لغت به معنای ملک دیگر و یا تشعشع بخار آمده است و از دیرباز، حکما و فلاسفه ای مانند سهروردی و ملاصدرا پیرامون آن سخنه گفته اند و اکنون نیز با اصطلاحات دیگری مانند جهان های موازی توسط دانشمندان استفاده میشود.

اما مراد شیخیه از هورقلیا عالمی است جسمانی و دنیایی که بخاطر لطافتش دیده نمیشود (تا زمان رجعت) و در ذیل این بحث از جسم اصلی و کیفیت معاد و معراج و بعضی مسایل اعتقادی دیگر بحث میشود.

لازم به ذکر است که در مورد معاد جسمانی، معراج، غیبت امام و سایر اعتقادات، اصل اعتقاد به آن ضروری بوده اما کیفیت و جزئیات آن نظری است و اختلاف اقوال در آن، همچنان که در پست قبل مواردی را از علمای بزرگ شیعه ذکر کردیم موجب خروج و لعن و تکفیر نمیشود.

اما در معنی هورقلیا از کتب شیخ احمد احسائی اعلی الله مقامه به دلیل عربی بودن متون فقط یک مورد

ذکر کرده و بیشتر به متون مرحوم کرمانی اع میپردازیم.

در شرح عرشیه شیخ احمد احسایی اع میفرماید:

ان الاجساد الثانیة اعنی الّتی خلقت من عناصر هورقلیا هی الباقیة و هی الّتی تعاد یوم القیمة و هی هذه الاجساد المحسوسة المرئیة و هی لیس شیء منها من هذه العناصر و انما هی لَمّا نزلت من الخزا^۴ ان الی هذه الدار لحقتها اعراض و کثافات عارضة من هذه العناصر و لیس جزء من هذا الجسد و ان لحقته منها کدورة و هذه الاعراض الکررة الاجنبیة هی المانعة للاجساد من التشبه بالمجردات فان اجساد اهل العصمة علیهم السلام لَمّا طهرت من هذه الاعراض الکررة کانت مشابهة للنفوس فیصل احدهم اذا ش^۵ء من المشرق الی المغرب فی لحظة و ما بین المشرق و المغرب خطوة مؤمن فاذا مات الرجل من سا^۶ء اثر الناس و تفرقت اعضا^۷ؤه او اکلته الوحوش او حیتان البحر کان جسده الاصلی متفرقا فی بطون الحيوانات ما دامت اجزا^۸ؤه ممازجة للاعراض الاجنبیة لانها تحبسها عن التشبه بالمجردات و الحيوانات تغتدی بتلك الاعراض و لاتغتدی بشیء من الاجساد الاصلیة

همچنین مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه در ارشاد العوام می فرماید:

بدانکه خداوند این بدن انسان را که در این عالم است از عناصر این عالم خلق کرده است که آتش و باد و آب و خاک باشد و این چهار عنصر در اول که ترکیب شدند جماد بودند چون قدری اعتدال پیدا کردند روح نباتی در آن دمیده شد و چون قدری دیگر اعتدال پیدا کرد روح حیوانی در آن جلوه کرد و چون قدری دیگر اعتدال پیدا کرد روح انسانی در آن جلوه کرد و این بدن لباسی شد از برای او در این عالم یا آئینه شد که در زیر آفتاب وجود انسان گذارده شده است و جمادی این بدن و نباتی و حیوانی او از این عالم است و انسانی او از بیرون این عالم است پس جمادی و نباتی و حیوانی آن از خلقت آئینه است و انسانی که در آن هست آن عکس است که در آن افتاده نمی بینی که آئینه در زیر آفتاب دو چیز دارد یکی قابلیت آئینه بودن و آئینه شدن و یکی آن عکس که در آن افتاده پس قابلیت بدن انسان جمادی و نباتی و حیوانی اوست و چون این سه مرتبه تمام شد آئینه بدنش تمام میشود و چون آئینه بدنش تمام شد آنگاه عکس انسانی در آن میافتد و از او بسخن درمیآید بفهم چه میگویم پس چون این بنیه فاسد شود و این آئینه بشکند عکس از این عالم برداشته شود و در همان عالم خود بحال اول شود پس چون انسان میمیرد فسادی در ارکان آئینه بدن پیدا میشود که دیگر قابل آنکه عکس انسان در آن افتد نباشد و چون بدن عارضی عنصری این دنیا بمیرد و آنرا در قبر گذارند عناصری که بهم فراهم آمده بود از هم بپاشد و البته نار آن در زمین بند نشود و بکره خود رود و هوای او هم بکره خود رود و آتش هم بعنصر خود رود و خاکش در خاک بماند و روح نباتی او هم بتفرقه عناصر از هم بپاشد و روح حیوانی او هم برود و داخل شعله های کواکب و انوار آسمانی شود و هر یک بانجا رود که از آنجا آمده بود و بماند در قبر بدن اصلی انسانی هورقلیائی و آن هم جسم است که صاحب درازی و پهنائی گردی است مثل سایر جسمها و آن اجزای اصلی بدن انسان است و عرض نیست بلکه جوهر حقیقی است و ثبات و قرارش بیش از این اعراض است و آن بدن اصلی هورقلیائی در عالم خود در غیب این قبر میماند.

در قسمتی دیگر میفرمایند

در زمان رجعت عالم عالم هورقلیا شود که لطیف و پاک است و بهشت برزخ از برای مردم ظاهر شود و از آن بخورند و بیاشامند و داخل شوند و لذت برند

از مواردی که بدون در نظر گرفتن عالم هورقلیا علما معنی و توضیحی برای آن ندارند عبارت است از: سد ذوالقرنین، مأجوج و مأجوج، بهشت آدم، جنتان مدهامتان، عالم اجنه، عذاب و فشار قبر، جابلقا و جابلسا و موارد متعدد دیگری است که در قران و احادیث به آن اشاره شده است. حقایقی که در دنیا بوده اما اثری از آنها نمیبینیم.

برای تقریب ذهن اهل این زمان و نمونه هایی از حقایق غیر ملموس میتوان به همین دنیای مجازی، واقعیت افزوده و غیره اشاره کرد. فقط کافیست تصور کنید همین پیشرفت تکنولوژی اگر 5 هزار سال دیگر هم ادامه پیدا کند به کجا خواهد کشید.

بیش از این اگر سوال و مشکلی در این مورد داشتید در قسمت کامنت های همین مطلب یا در صفحه [پرسش و پاسخ](#) برسید.